



مرکز تحقیقات دارالحدیث

میراث صدر شیعہ

دفتر دوم

بہ کوشش

علی صدراپی خویی

ہمدی مہریری

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مهریزی، مهدی، ۱۳۴۱، گردآورنده.
میراث حدیث شیعه: ۲/ به کوشش مهدی مهریزی و علی صدراپی خویی. -
قم: مؤسسه فرهنگی دارالحدیث، ۱۳۷۸.
۶۵۲ ص.

کتابنامه به صورت زیر نویس.
۱. احادیث شیعه - مجموعه ها. ۲. احادیث شیعه ۳. اربعینیات. ۴. احادیث خاص
(حدیث حقیقت). ۵. احادیث خاص (رأس جالوت). ۶. احادیث - مسائل ادبی.
۷. حدیث - علم الرجال. ۸. احادیث - اجازة ها. الف عنوان. ب صدراپی خویی، علی،
۱۳۴۲ - ، گردآورنده همکار.

۲۹۷/۲۱۸

BP ۱۴۱/م ۹م ۹

ISBN : 964 _ 5985 _ 54 _ 4

شابک: ۹۶۴-۵۹۸۵-۵۴-۴



مرکز تحقیقات دارالحدیث

میراث حدیث شیعه ۲/

به کوشش:

مهدی مهریزی

علی صدراپی خویی

همکاران علمی:

ابوالفضل حافظیان، قاسم شیرجعفری، حسین گودرزی

ویراستار فارسی: محمدرضا موحدی ویراستار عربی: اسعد طیب مولوی

حروف نگاری و صفحه آرایی: محمد ضیاء سلطانی، فخرالدین جلیوند

دفتر میراث حدیث شیعه: قم، خیابان ۱۹ دی، کرچه دهم، پلاک ۳۱

نشانی برای مکاتبه: قم، ص. پ. ۳۴۱۸ / ۳۷۱۸۵ مرکز تحقیقات دارالحدیث، میراث حدیث شیعه

تلفن: ۷۱۱۷۴۵۰. نمابر: ۷۱۹۱۹۰

فهرست

متون حدیثی

آغاز دفتر ۷

۱۱ وصية النبي ﷺ لعلي بن أبي طالب ؑ

به روایت عمر بن محمد نسفی / تحقیق: سید احمد رضا حسینی

۵۳ المناجاة الإلهيات

سید ضیاء الدین فضل الله بن علی راوندی / تحقیق: سعید رضا علی عسکری

۸۹ الاستبصار في النص على الأئمة الأطهار ؑ

أبو الفتح محمد بن علی بن عثمان کراچکی / تحقیق: محمد اسلامی یزدی

۱۳۵ الأربعون حديثاً

عزالدین حسین حارثی عاملی / تحقیق: علی اوسط ناطقی

شرح و ترجمه حدیث

۱۸۷ شرح حدیث حقیقت

خواجہ محمد دھدار / تحقیق: مهدی مهریزی

۲۱۱ صحيفة المحبة

سائل کاشانی / تحقیق: محمد مهدی فقیهی

۲۳۳ شرح حدیث رأس الجالوت

ملا عبد الصاحب محمد بن احمد نراقی / تحقیق: سید محمد رضا حسینی

۲۵۵ المکنون في حقائق الكلم النبوية

أبو محمد روزبهان بقلی فسایی شیرازی / تحقیق: علی صدرايي خویی

۳۶۵	نظم اللتالی سید قوام الدین محمد بن محمد حسینی سیفی قزوینی / تحقیق: حسین گودرزی
۳۹۵	لَبَّ اللبَاب فِي عِلْمِ الرِّجَالِ ملا محمد جعفر شریعتمدار استرآبادی / تحقیق: محمد حسین مولوی
۴۹۷	شرح طرق الشيخ الطوسي ملا محمد جعفر شریعتمدار استرآبادی / تحقیق: علی فرخ
۵۳۵	الفوائد الرجالية للمحقق الكركي محمد حسون
۵۹۷	اجازات فیض کاشانی ابوالفضل حافظیان
۶۲۹	إزالة الأوهام شيخ ابوالقاسم خویی سید صادق حسینی اشکوری

علوم حدیث

اجازات

معرفی نسخه

شرح و ترجمه

حديث

شرح حديث حقيقت

خواجہ محمد دھدار (م ۱۰۱۶ ق)

صحيفة المحبة

سائل کاشانی (از شعرای سده دهم هجری)

شرح حديث رأس الجالوت

ملا عبدالصاحب محمد بن احمد نراقی (م ۱۲۹۷ ق)

المكنون في حقائق الكلم النبوية

أبو محمد روزبهان بقلی فسایی شیرازی (م ۶۰۶ ق)

نظيم اللئالی

سید قوام الدین محمد حسینی سیفی قزوینی (م ۱۱۵۰ ق)

نظیم اللثالی

سید قوام الدین محمد بن محمد مهدی

حسینی سیفی قزوینی (م ۱۱۵۰ ق)

تحقیق: حسین گودرزی

درآمد

سید محمد بن محمد مهدی حسینی سیفی قزوینی، ملقب به قوام الدین، و متخلص به سیفی و جمال و قوام، از دانشمندان و ادیبان نیمه اول قرن دوازدهم هجری است. وی در اواخر سده یازدهم هجری در شهر قزوین در خانواده‌ای اصیل از خاندان سادات سیفی قزوین دیده به جهان گشود. نسبت سادات سیفی قزوین از طریق جدشان قاضی سیف الدین محمد، به زید بن الحسن بن علی بن ابیطالب علیه السلام منتهی می‌شود.

او پس از تکمیل تحصیلات مقدماتی در قزوین، برای فراگیری دروس عالیّه آن زمان به اصفهان مهاجرت کرد و از محضر علامه ملا محمد باقر مجلسی و آیت الله شیخ جعفر کمره‌ای اصفهانی استفاده نمود و پس از دستیابی به مقامی والا در علوم و فنون

مختلف، به قزوین بازگشت.

حزین لاهیجی یکی از معاصران قوام، در تذکره‌اش درباره‌ی وی، چنین می‌نگارد:

«السید الجلیل قوام الدین محمد یوسف الحسینی القزوی - علیه الرحمة - احوال سلسله سادات سینی قزوین و اصحاب کمالی که در آن خانواده بودند بر واقفان سیر مخفی نخواهد بود. بالجمله میرزا قوام الدین مذکور، سلاله آن خاندان و از مشاهیر افاضل زمان بود.

در علوم عربیت خلیل العصر و در فقه و حدیث جلیل القدر و منشرح الصدر، متحلی به اجناس فضایل و تقاوه اتقای کامل بود؛ پیوسته ملجأ قربا و ضعفای هر دیار و کف دریا نوالش رشک ابر بهاره قلم از اوصاف کمالش به عجز و انکسار اعتراف دارد...»^۱.

علامه مجلسی نیز در اجازه‌ای که به قوام در شعبان سال ۱۱۰۷ ق نوشته، وی را چنین می‌ستاید:

«السید الأئید، الحسیب النسیب، اللیب الأدیب، الفاضل الکامل، البارع المتوقد، الزکی الأملی اللوذعی، السید قوام الدین - ... - بعد ما أخذ منی من العلوم الدینیة والمعارف الیقینیة شطراً...»^۲.

سید نورالدین بن نعمه الله جزائری در «الإجازة الكبيرة» خود، قوام الدین را چنین توصیف می‌کند:

«كان فاضلاً علامة محققاً كثير الاحتياط في العلم والعمل، عظیم النفع، جلیل الشأن، مهذب الأخلاق...»^۳.

۱. تذکره حزین، ص ۲۷ و ۲۸

۲. طبقات اعلام الشیعة، ص ۶۰۳

۳. مصدر سابق و اعیان الشیعة، ج ۸، ص ۴۵۲

آثار

قوام الدین تألیفاتی متنوع در علوم مختلف از جمله فقه، اصول، فلسفه و اخلاق از خود به جای گذارده که بیشتر آنها به نظم است.

از جمله نگاشته های وی عبارتند از:

۱- أرجوزة فی الأخلاق^۱.

۲- أرجوزة فی الأسطرلاب^۲: که نظم «صحيفة الأسطرلاب» شیخ بهایی است.

۳- أرجوزة فی أصول الفقه^۳: قوام الدین قزوینی دو أرجوزه در اصول فقه دارد. یکی نظم «زبدة الأصول»^۴ شیخ بهایی، و دیگری نظم «مختصر الأصول» ابن حاجب.

۴- أرجوزة فی البیان^۵.

۱. الذریعة إلی تصانیف الشیعة، ج ۱، ص ۵۲.

۲. الذریعة، ج ۱، ص ۵۵.

۳. الذریعة، ج ۱، ص ۶۱.

۴. نسخه ای از نظم «زبدة الأصول» شیخ بهایی در کتابخانه محمود فرهاد معتمد دز تهران موجود است که قوام الدین آن را در قزوین به مولانا علی نقی تبریزی بخشیده و اجازه ای به خط خود در پایان آن نوشته که متن آن اجازه چنین است:

«قد وهبت هذا الكتاب للفاضل المتقي مولانا علي نقی التبریزی أيام إقامته ببلدة قزوین حيث كان راغباً إلی اقتناء العلوم والمعارف وزاهداً فی حطام الدنيا وزینتها، ثبتہ الله علی نیتہ وبلغه أحسن أمنيته و أجزت له - أیدک الله - رواية عني للطالبيين وكتب هذه الأحرف بيده الجانية ناظم الرسالة قوام الدین محمد حسینی، ختم الله له بالحسنی فی ۲۶ ذي القعدة الحرام سنة ۱۱۴۷ هـ».

«نشریه کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران درباره نسخه های خطی، دفتر سوم، ص ۲۵۰ و ۲۵۱».

۵. الذریعة، ج ۱، ص ۶۴.

- ۵- نظم الحساب^۱: نظم «خلاصة الحساب» شیخ بهایی است.
- ۶- مفرح القوام^۲: که نظم قانونچه است.
- ۷- التحفة القوامیة^۳: که نظم للمعة الدمشقیة شهید ثانی است.
- ۸- أرجوزة فی النحو^۴: نظم کافیہ است با عنوان الصافیة.
- ۹- دیوان سیفی قزوینی^۵: وی در شعر طبع روانی داشته و به سه زبان فارسی و عربی و ترکی شعر می‌سرود. نسخه‌ای از دیوان وی تاکنون شناسایی نشده است.
- ۱۰- رمح الخط^۶: که در آن بخش علم خط از «الشافیة» ابن حاجب را به نظم کشیده است.
- ۱۱- شکایات منظومه^۷: که چهل بیت است در شکایات نماز.
- ۱۲- الباقیات الصالحات: شرحی است بر صلوات خواجہ نصیر که در میراث اسلامی ایران، دفتر سوم با مقدمه و تصحیح جناب آقای ابوالفضل حافظیان به چاپ رسیده است.
- ۱۳- مرثیة جگرسوز و مرثیة اشکبار: هفت قصیده (هفتاد و دو بیت) است در مرثیة امام حسین علیه السلام و یاران وی، که بخشی از آن با تصحیح جناب آقای ابوالفضل حافظیان در مجله پاسدار

۱. همان، ج ۱، ص ۴۷۱

۲. همان، ج ۱، ص ۴۸۴

۳. الذریعة، ج ۱، ص ۴۹۰

۴. همان، ج ۱، ص ۵۰۴

۵. همان، ج ۹، ص ۴۸۷

۶. همان، ج ۱۱، ص ۲۴۸

۷. همان، ج ۱۴، ص ۲۱۹

اسلام به چاپ رسید.

۱۴ - نظم اللثالی (رساله حاضر).

علاوه بر کتاب های فوق، اشعار و رساله های متفرقه بسیاری از قوام الدین بر جای مانده است که در کتب تذکره و در ضمن برخی مجموعه ها از آنها یاد شده است.^۱

نظم اللثالی

این کتاب، منتخب چهل حدیث از احادیث گهر بار معصومین علیهم السلام است که همگی به نظم کشیده شده اند. قوام الدین این رساله را به آقامحمود بیک جبه دار باشی تقدیم کرده و نظم آن در محرم ۱۱۰۲ به پایان رسانیده است. او ابتدا نام کتابی را که حدیث از آن نقل شده، ذکر می کند و پس از آن متن حدیث را می آورد؛ آنگاه هر حدیث را با یک رباعی به فارسی بر می گرداند.

مصادری که قوام الدین از آنها نقل کرده، شامل مصادر خاصه و عامه است که همه آنها امروزه در دست است.

۱. برای شرح حال مفصل صاحب ترجمه و آثار وی به مأخذ زیر مراجعه کنید: تلامذه علامه مجلسی، ص ۷۳، اجازه الکبیره، عبدالله جزائری، ص ۱۶۵؛ ریحانة الأدب، ج ۴، ص ۴۹۲؛ زندگینامه علامه مجلسی، مصلح الدین مهدوی، ج ۲، ص ۹۲؛ فرهنگ بزرگان اسلام و ایران، ص ۵۸۵؛ فرهنگ سخنوران، خیام پور، ص ۴۷۶؛ معجم مؤلفی الشیعه، ص ۳۱۵؛ نجوم السماء، ص ۱۹۴؛ معجم مؤلفین، ج ۱۱، ص ۳۰۴؛ الفوائد الرضویة، ص ۶۲۱؛ الکنی واللقاب، ج ۳، ص ۹۰؛ ریاض الجنة زنوزی، روضه رابعه، ص ۶۷۱؛ شمع انجمن، ص ۲۰۶؛ روز روشن، ص ۵۶۳؛ ریاض العارفین، آفتاب آرای لکهنوی، ج ۲، ص ۱۲۹ و

تصحیح رساله

تصحیح این رساله بر اساس دو نسخه انجام شده است، با این خصوصیات:

۱- نسخه کتابخانه حضرت آیت الله مرعشی که در ضمن مجموعه شماره ۹۴۷۰ آمده است.^۱ در این مجموعه سه رساله از قوام الدین (مرثیه جگرسوز، الباقیات الصالحات، نظم اللثالی) واقع شده و نظم اللثالی در برگ های ۴۰ تا ۴۸ آن قرار گرفته است. در میانه این نسخه از نیمه حدیث اول تا آخر حدیث پنجم افتادگی دارد.

۲- نسخه کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران که در ضمن مجموعه شماره ۲۵۶۹ برگ های ۲ تا ۵ قرار گرفته است.^۲ این نسخه به خط مؤلف در سال ۱۱۰۲ ق تحریر شده و اندکی افتادگی دارد. در تصحیح، نسخه دانشگاه تهران با علامت «الف» آمده و موارد اختلاف با نسخه مرعشی - که با علامت «ب» مشخص شده -، در پاورقی تذکر داده شده است.

در پایان لازم می دانم که از زحمات بی دریغ استاد گرامی، حجة الاسلام علی صدراپی خویی در تصحیح این رساله و نیز از مساعدت برادر ارجمند جناب آقای ابوالفضل حافظیان که نسخه کتابخانه مرعشی را در اختیارم نهادند تشکر و قدردانی کنم.

والحمد لله رب العالمین

۱. فهرست نسخه های خطی کتابخانه عمومی حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی، سید احمد

حسینی، ج ۲۴، ص ۲۳۴

۲. فهرست نسخه های خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، محمدتقی دانش پزوه، ج ۹، ص ۱۳۵۹

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ فَلَمَّا دُرِيَ حَدِيثُ خَدِيمٍ
 الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَنِعْمَ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ
 عَلَى الْخَيْرِ الصَّادِقِ الْأَمِينِ مُحَمَّدٍ عَبْدِ اللَّهِ حَامِ الْيَتِيمِينَ
 وَآلِهِ الْأَيَّمَةَ الْمُحَدَّثِينَ الَّذِينَ بِهِمْ قَوَامُ الدِّينِ
 بر مظهریان عالم ایمان و جوهریان کشور کن فکین که نقد هر جس را محک
 امتحان سنجید و گوهر هر ذات را بنظر بعیرت دید و آنرا معلوم است که
 کوهری که زینت برد و دشمنان را رباب یان تواند بود زینت بجز کوهر
 شجر مرغ اما دین اهل بیت طیبین که در ظلمات غوایت و کسالت
 آن راه صواب را میوان دید و این فلفل فلفل البضا بمقتضای
 صدق شمعون بن حنط من ایتی چهل حدیث از جواهر احادیث ماثوره در
 اصول و ذروع دین مبین انتخاب نموده ضمن مکرر یک بار بعضی در یک
 نظم کشیده بنظم الکالی موسوم ساخت و چون هر جوهری را جوهر

بسم الله الرحمن الرحيم فاتحه آرای حدیث قدیم

الحمد لله ربّ العالمين ومعرّ العالمين والصلوة والسلام على المخبر الصادق
 الأمين محمد بن عبدالله خاتم النبيين وآله الأئمة المحدثين الذين بهم قوام الدين.
 وبعد^۱ بر صیرفیان عالم امکان و جوهریان کشور کن فکان - که نقد هر جنس
 را به محک امتحان سنجیده و گوهر هر ذات را به نظر بصیرت دیده‌اند - معلوم
 است که گوهری که زینت براو دوش جان ارباب ایمان تواند بود، نیست بجز
 گوهر شب چراغ احادیث اهل بیت طیبین که در ظلمات غوایت به روشنی آن،
 راه صواب را می‌توان دید و این مخلصِ قلیل البضاعة به مقتضای مضمون صدق
 مشحون: «من حفظ من أمّتي...»^۲ چهل حدیث از جواهر احادیث مأثوره در
 اصول و فروع دین مبین انتخاب نموده، مضمون هر یک را به رباعی در سلک
 نظم کشیده «به «نظیم اللثالی» موسوم ساخت و چون هر جوهری را جوهر
 شناسی در کار، و هر متاعی را از خریداری ناچار است و در این زمانِ مسعودِ

۱. نسخه «الف»، این مقدمه را ندارد.

۲. متن کامل آن چنین است: «من حفظ من أمّتي أربعين حديثاً ممّا يحتاجون إليه من أمر دينهم بعنه الله يوم

عاقبت محمود، طالبِ این درِّ نظم و مشتریِ این جنسِ عظیم، صاحبِ نظری است که دیده حق بین و خاطر حقانیت گزینش همواره به ترقیه حال ارباب کمال متوجّه و معطوف است و درویش نهادی که با وصف تقرّب شاهی پیوسته اوقاتش به مراقبت و معاونت زیردستان مصروف است، اعنی عالیجاه عمده مقربان درگاه خلایق پناه، زبده مخلصان دولت خواه مقرب الحضرة العلیة العالیة الخاقانیه، مؤتمن الدولة البهیة السلطانیة آقابی محمود بیگ^۱ تجّه دار باشی^۲ - شدّ الله أطناب دولته بأوتاد الخلود و رزقه شفاعة صاحب المقام المحمود - که از غایت وفور اخلاص و دولت خواهی همواره منظور نظر کیمیا اثر نواب همایون اشرف اعلا بوده، بسانِ ماه که استتاره از آفتاب نموده، عالم را روشن می دارد یا مانند ابر که از دریا استفاضه کرده، بر کوه و صحرا می بارد، واسطه وصول فیوضات نامتناهی و رابطه حصول مرادات شاهنشاهی گشته، کشت امانی و آمال عموم برایا و خصوص ارباب فضل و کمال را از رشحات سحاب برّ و احسان سرسبز و ریّان می دارد؛ لهذا این گوهر منظوم به رسم تحفه و هدیه به نظر فیض اثر آن عالی گُهر رسانید. امید که ثواب آن به روزگار آن والا شأن واصل و مقاصد نشأتین آن عالی مکان از باطن حضرات ائمه معصومین علیهم السلام حاصل گردد، بحقّ محمّد و آل محمّد.

الهی این کفایت کیش سلطان که دانش منشأ خیر است و احسان
رضا جوینده معبود باشد به دولت عاقبت محمود باشد

۱. بیگ: عنوانی است ترکی که به شاهزادگان و نجبا داده می شد و در عهد صفویه - زمان تألیف این اثر -

عنوان تشریفاتی افراد قزلباش بوده است. (لغت نامه دهخدا، ج ۳، ص ۴۵۶۰).

۲. جبه دار: سلاح دار، قورخانه چی.

۱

روی الشيخ الصدوق ابن بابويه في عيون أخبار الرضا عليه السلام عن علي بن موسى الرضا، عن أبيه موسى بن جعفر الكاظم، عن أبيه جعفر بن محمد الصادق، عن أبيه محمد بن علي الباقر^۱ عن أبيه علي بن الحسين زين العابدين، عن أبيه الحسين بن علي سيد الشهداء عن أبيه علي بن أبي طالب أمير المؤمنين، قال: قال رسول الله ﷺ:

«من حفظ من أمتي أربعين حديثاً ينتفعون به بعثه الله يوم القيامة فقيهاً عالماً»^۲.

محفوظ نما چهل حدیث سالم ای مرد خدا
 زآن روی که گفته فخر آل هاشم کز امت ما
 هر کس که چهل حدیث را حفظ کند کان نفع دهد
 بمبعوث کند خدای او را عالم در روز جزا

۲

روی السيد الرضي عليه السلام في نهج البلاغة عن أمير المؤمنين و سيد الموحدين - صلوات الله عليه و على عترته العادلين -:

«التوحيد أن لا تتوهمه والعدل أن لا تتهمه»^۳.

تا قول به توحید و عدالت نکنی خود را مقبول رب عزت نکنی
 توحید بود اینکه توهم نکنیش عدل اینکه برو به ظلم تهمت نکنی

۱. در نسخه «ب» از اینجا تا آخر حدیث پنجم افتادگی دارد.

۲. عيون أخبار الرضا، ج ۲، ص ۳۷ و با اندکی تفاوت در بحار الأنوار، ج ۲، ص ۱۵۶

۳. نهج البلاغة، ج ۴، ص ۱۰۸؛ بحار الأنوار، ج ۵، ص ۵۲

۳

في مسند أحمد بن حنبل عن خاتم النبیین - صَلَّى الله عليه وآله الطاهرين - أنه قال
لعلي أمير المؤمنين عليه السلام :

«أنت متي بمنزلة هارون من موسى غير أنه لا نبيَّ بعدي»^۱.

فرمود جناب مصطفیٰ فخرزمن با حضرت مرتضیٰ علی سرو چمن
از من تو چنانی که ز موسی هارون جز اینکه نبی‌یی نبود بعد از من

۴

روی شیرویه بن شهردار الدیلمی فی فردوس الأخبار عن ابن عباس قال : قال
رسول الله صلى الله عليه وآله :

«لو اجتمع الناس على حبّ علي بن أبي طالب ، لما خلق الله النار»^۲.

در سلک محبان علی خود را کَش فرموده رسولِ راستان در حقش
بر حب علی بن ابی طالب، ناس گر جمع شدی خلق نگشتی آتش

۵

في الجمع بين الصحاح الستة عن القرشي عليه السلام أنه قال:
«لا يزال الإسلام عزيزاً إلى اثني عشر خليفة كلهم من قریش»^۳.

ای تابع دین با قوام قرشی فرموده پیمبر همام قرشی
همواره بود ملت اسلام عزیز تا ختم دوازده امام قرشی

۱. مسند أحمد بن حنبل، ج ۳، ص ۳۲؛ صحیح مسلم، ج ۷، ص ۱۲۰؛ سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۴۵؛ بحار
الأنوار، ج ۵، ص ۶۹

۲. الفردوس بمأثور الخطاب، ج ۳، ص ۳۷۳؛ ح ۵۱۳۴؛ بحار الأنوار، ج ۳۹، ص ۲۴۸

۳. مسند أحمد بن حنبل، ج ۵، ص ۱۰۰؛ بحار الأنوار، ج ۳۶، ص ۲۶۶

۶

روی الصدوق فی کمال الدین و تمام النعمة عن النبي ﷺ أَنَّهُ قَالَ:

«الأنمة بعدي، الهادي علي والمهدي الحسن والناصر الحسين
والمنصور علي بن الحسين والشفاع محمد والنفاع جعفر بن محمد
والأمين موسى بن جعفر والرضا علي بن موسى والفعال محمد بن
علي والمؤمن علي بن محمد والعلام الحسن بن علي ومن يصلي
خلفه عيسى بن مريم القائم».^۱

بعد از علی و حسن، حسین راهنماست با زین عباد و باقر و جعفر راست
موسی و رضا تقی علی هادی پس عسکری و مهدی دین صاحب ماست

۷

فی نهج البلاغة عن كعبة الصديقين وقبلة العارفين:

«عجبت لمن أنكر النشأة الأخرى وهو يرى النشأة الأولى».^۲

آغاز حیات خویش هر کس داند در نشأۀ غُود شبهه‌اش چون ماند؟
در قبرِ رحم، جانِ بتو داد ایزد پاک اندر رحمِ قبر، چرا نتواند؟

۸

روی الشيخ البهائي - رُوح الله روحه - فی کتاب الأربعین عن أبي بصير قال :

۱. کمال الدین و تمام النعمة، ص ۲۸۴

۲. نهج البلاغة، ج ۴، ص ۳۰؛ مولانا در مثنوی معنوی، دفتر سوم [۱۲۸۹/۳] متناسب با مضمون روایت
فوق چنین سروده‌است:

هین بگو چون آمدی! مست آمدی؟

آنچنان کز نیست در هست آمدی

احادیث و قصص مثنوی، ص ۲۶۷

سألت أبا عبد الله جعفر بن محمد الصادق - عليه السلام - عن أرواح المؤمنين، فقال:
«في الجنة على صُور أبدانهم لو رَأَيْتَهُ لَقَلْتَ فُلَانٌ».^۱

فرموده امام جعفر راست زبان باشد جان های پاک اهل ایمان
در باغ بهشت بر مثال ابدان گر بنگریش به دیده گویی که فلان

۹

في عِدَّة الداعي للشيخ الزاهد أحمد بن فهد الحلبي - أحله الله في دار النعيم - في
الحديث القدسي :

«عبادي الصديقين! تنعموا بعبادتي في الدنيا فَإِنَّكُمْ بها تَنَعَّمُونَ في
الجنة».^۲

هر کارکنی به عالم ای پاک سرشت از سود و زیان
آید ببرت بروی زیبا یا زشت؛ گوید: رحمان
باید به عبادتم تنعم بکنید در دار فنا
با آن بنمایید تنعم به بهشت ای صدیقان

۱۰

في الكافي عن سيد الأنبياء - صَلَّى الله عليه واله - :
«طلب العلم فريضة على كل مسلم».^۳

۱. الأربعون حديثاً، ص ۴۹۹؛ ترجمة قطب شاهی، ص ۶۲۹

۲. عِدَّة الداعي، ص ۱۹۴؛ بحار الأنوار، ج ۸، ص ۱۵۵

۳. الكافي، ج ۱، ص ۳۰ و ۳۱؛ وسائل الشيعة، ج ۱۸، ص ۱۶؛ مولانا در دفتر ششم [۲۵۹۹/۶] با اشاره به

دانش بطلب که سازدت شیرین کام از علم بود چاشنی دین به قوام
فرمود نبی: فرض بود جُستن علم بر هر که بود ز خیل اهل اسلام

۱۱

فی عِدَّة الداعی عن نورالله الذی لایطفی، محمد المصطفی ﷺ :
«مثل الذی یُعَلِّم الخیر ولا یَعْمَلُ به، مَثَلُ السراج یضیء للناس
ویحرق نفسه».^۱

عالم که به علم مجلس افروزاند اما نکند خود آنچه آموزاند
مانند چراغی ست که می‌بخشد نور بر مردم و خویش را همی سوزاند

۱۲

فی نهج البلاغة عن أمير المؤمنين وقدة العلماء العاملين:
«العلم یهتف بالعمل، فإن أجابه وإلا ارتحل».^۲
هر علم که بی عمل بود ناید کار بر صاحب خود وبال جان باشد و عار
فریاد زند علم و عمل را خواند گر داد جواب ورنه ببرند بار

۱۳

فی الکافی عن سید المرسلین - علیه و آله صلوات المصلین - :

❖ روایت مذکور چنین می‌سراید:

نفع و ضرر هر یکی از موضوع است

علم ازین رو واجب است و نافع است

احادیث و قصص مشنوی، ص ۵۶۷

۱. عِدَّة الداعی، ص ۷۰؛ بحار الأنوار، ج ۲، ص ۳۸

۲. نهج البلاغة: ج ۴، ص ۹۵؛ بحار الأنوار، ج ۲، ص ۳۳

«الصَّلوة عمود دينكم»^۱

سور و فرح دل حزين است نماز هم موجب فردوس برين است نماز
هم مهر نکاح حور عين است نماز فرموده نبی: ستون دين است نماز

۱۴

روى الكليني - زاد الله قربه - في الكافي عن الرضا عليه السلام قال:

«أقرب ما يكون العبد من الله تعالى وهو ساجد»^۲.

بايد که همیشه بنده زاهد باشد بی عجب و ریا و کبر، عابد باشد
نزدیک ترین حالت بنده به خدا وقتی است که همچو سایه ساجد باشد

۱۵

في عِدَّة الداعي قال سيّد الأوصياء - صلوات الله عليه -:

«الجلسة في الجامع خير لي من الجلسة في الجنة، فإنَّ الجنة فيها

رضا نفسي والجامع فيه رضا ربّي»^۳.

فرموده علی: نشستیم در مسجد خوشتر ز نشستن بهشت از سر جد
زانرو که در این بود رضای نفسم و ندر مسجد بود رضای ایزد

۱۶

في مفتاح الفلاح للشيخ البهائي - فتح الله له باب الرضوان - عن النبي ﷺ:

۱. الكافي، ج ۲، ص ۱۹

۲. الكافي، ج ۳، ص ۲۶۵؛ عيون أخبار الرضا، ج ۲، ص ۷؛ وسائل الشيعة، ج ۴، ص ۹۷۹؛ بحار الأنوار،

ج ۸۵، ص ۱۶۲

۳. عِدَّة الداعي، ص ۱۹۴

«من خاف أدلج ومن أدلج بلغ المنزل»^۱.

آن کس آهوی فیض نخجیر^۲ کند کاندر شب تار ناله زنجیر کند
شبگیر کند هر آنکه دارد خوفی منزل برسد هر آنکه شبگیر کند

۱۷

روی الصدوق الفقیه محمد بن بابویه فی کتاب من لا یحضره الفقیه عن صادق آل محمد - صلوات الله علیهم - أنه قال:

«ما من عبدٍ یقرأ آخرَ الکَهِفِ حین ینام إلاّ استیقظ من منامه فی الساعَةِ التي یرید»^۳.

قرآن خوانی شوی زمستی هشیار مکشوف شود بر تو بسی از اسرار
هر کس خواند به وقت خواب آخر کَهِف هر دم خواهد زخواب گردد بیدار

۱۸

فی شهاب القضاء و تفسیر البیضاوی عن المبعوث بالحنیفَةِ السَّمْحَةِ البیضاء - صلی الله علیه وآله الکرام -:

«الزکوة قنطرة الإسلام»^۴.

افزون کندت نقود و انعام، زکات دین را کند از کمال، اتمام، زکات
از ختم رُسل، شافع کل بر سر پُل مروی است که باشد پُل اسلام، زکات

۱. مفتاح الفلاح، ص ۲۲۹؛ بحار الأنوار، ج ۸۷، ص ۱۸۹.

۲. نَخجیر یا نَخجیر: شکار، حیوانی که او را شکار می کنند.

۳. من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۴۷۱.

۴. شرح شهاب الأخبار، ص ۸۷.

۱۹

في الكافي قال رسول الله ﷺ :

«صَدَقَةُ السَّرِّ تُطْفِئُ غَضَبَ الرَّبِّ - تَبَارَكَ وَتَعَالَى -»^۱.

زان سان که کنی زکشفِ عصیانِ پرهیز چون گنج، نهانِ نمای طاعت را نیز
فرموده نبی: تصدقِ پنهانی خاموش نماید غضبِ ربِّ عزیز

۲۰

في نهج البلاغة:

«مَا أَحْسَنَ تَوَاضُعِ الْأَغْنِيَاءِ لِلْفُقَرَاءِ طَلِباً لِّمَا عِنْدَ اللَّهِ - تَعَالَى - وَأَحْسَنُ

مِنْهُ تِيَةُ الْفُقَرَاءِ عَلَى الْأَغْنِيَاءِ اتِّكَالاً عَلَى اللَّهِ - تَعَالَى -»^۲.

نیکوست تواضعِ غنی بهر فقیر از راه رضای ربِّ بی مثل و نظیر
نیکوتر از آن کبرِ فقیر است بر او از روی توکل به خداوندِ کبیر

۲۱

في الكافي قال رسول الله ﷺ :

«الصَّوْمُ جُنَّةٌ مِنَ النَّارِ»^۳.

گر با خبر از آتشِ دوزخ باشد دل را حذر از آتشِ دوزخ باشد
خود را به پناهِ روزه بر از آتشِ روزه سپر از آتشِ دوزخ باشد

۱. الکافی، ج ۴، ص ۸۷؛ من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۶۷؛ تهذیب الأحکام، ج ۴، ص ۱۰۵

۲. نهج البلاغة، ج ۴، ص ۹۵؛ بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۱۲۳

۳. الکافی، ج ۲، ص ۱۹ و ص ۲۴ و ج ۴، ص ۶۲؛ من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۷۴

۲۲

فی کتاب من لایحضره الفقیه، رُوی :

«أَنَّ النَّظَرَ إِلَى الْكَعْبَةِ عِبَادَةٌ وَالنَّظَرُ إِلَى الْوَالِدَيْنِ عِبَادَةٌ وَالنَّظَرُ إِلَى
الْمَصْحَفِ مِنْ غَيْرِ قِرَاءَةٍ عِبَادَةٌ وَالنَّظَرُ إِلَى وَجْهِ الْعَالَمِ عِبَادَةٌ وَالنَّظَرُ
إِلَى آلِ مُحَمَّدٍ - صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ - عِبَادَةٌ»^۱.

بر کعبه حق نظر عبادت باشد بر مادر و بر پدر عبادت باشد
بر مصحف بی قرائت و بر عالم بر آل پیامبر عبادت باشد

۲۳

روی شیخ الطائفة فی کتاب صلوة التهذیب عن قبلة الصادقین اَبی عبدالله علیه السلام أَنَّهُ
قال:

«حِبَّةٌ أَفْضَلُ مِنَ الدُّنْيَا وَمَا فِيهَا»^۲.

اندر ره کعبه سربجای پانه بر خال سیاه حجرش شو واله
در راه خدای صرف کن مال جهان یک حج بود از دنیای و ما فیها، به

۲۴

فی شهاب القضاء عن سید المرسلین وامام المجاهدین - صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَآلِهِ
الطاهرین - :

«الْجَنَّةُ تَحْتَ ظِلَالِ السَّيْفِ»^۳.

مگذار ز کف جهاد ای نیک سرشت محروم شد از بهشت هر کس که بهشت

۱. من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۲۰۵؛ الکافی، ج ۴، ص ۲۴؛ وسایل الشیعة، ج ۹، ص ۳۶۴.

۲. تهذیب الأحکام، ج ۲، ص ۲۴۰.

۳. شرح شهاب الأخبار، ص ۴۱؛ بحار الأنوار، ج ۳۳، ص ۵۵۷.

گر کشته شوی زنده جاوید شوی در سایه تیغ ها بود باغ بهشت

۲۵

في الكافي أَنَّهُ سُئِلَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ :

«مَا الْجِهَادُ الْأَكْبَرُ؟ قَالَ: جِهَادُ النَّفْسِ»^۱.

چون سگ به تو نفس حمله آور باشد از جمله اعدای تو بدتر باشد
با نفس جهاد کن گرت مردی هست کز قول نبی: جهاد اکبر باشد

۲۶

في كتاب من لا يحضره الفقيه عن النبي ﷺ :

«دِرْهُمُ رِبَاً أَعْظَمَ عِنْدَ اللَّهِ - عَزَّوَجَلَّ - مِنْ سَبْعِينَ زَنِيَةً كُلِّهَا بِذَاتِ

مَحْرَمٍ فِي بَيْتِ اللَّهِ الْحَرَامِ»^۲.

یکبازه زیان است که سودش شده نام فرموده جناب مصطفی خیر انام:
اعظم درمی ربا ز هفتاد زنا با محرم خویش جمله در بیت حرام

۲۷

في نهج البلاغة عن أمير المؤمنين وقبلة أهل الدين - صلوات الله عليه إلى يوم الدين - :

«الدَّيْنُ هُمَّ بِاللَّيْلِ وَذُلٌّ بِالنَّهَارِ»^۳.

از جامه راحت گزند عاری، قرض بیچاره تر از تو کیست گر داری قرض

۱. الکافی، ج ۵، ص ۱۲

۲. من لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص ۳۶۷

۳. حدیثی با این عبارت در نهج البلاغه یافت نشد؛ عوالی اللثالی، ج ۲، ص ۲۵۶

همتی نبود چو همۀ دین ای یاران در شب هم و در روز بود خواری، قرص

۲۸

في نهج البلاغة عن أمير المؤمنين وسيد المتقين - صلوات الله عليه - :
«اتَّقُوا مَعَاصِيَ اللَّهِ فِي الْخُلُوتِ فَإِنَّ الشَّاهِدَ هُوَ الْحَاكِمُ».^۱

هر کس به خدای خویش عالم باشد بر معصیتش همیشه نادم باشد
پرهیز ز عصیان خدا در خلوات کان ذات که شاهد است حاکم باشد

۲۹

في الكشاف عن طيب قلوب المحبين وحبیب رب العالمين ﷺ :
«الْمَعْدَةُ بَيْتُ الدَّاءِ وَالْحِمِيَّةُ رَأْسُ كُلِّ دَوَاءٍ وَأَعْطِ كُلَّ بَدَنٍ مَا عَوَّدَتْهُ».
وقريب منه في خصال الصدوق ﷺ.^۲

گردد ز شکم همیشه جان غم پرورد فرمود نبی: معده بود خانه درد
پرهیز بود سر دواها همگی هر تن بدهش آنچه بدان عادت کرد

۳۰

في الكافي قال رسول الله ﷺ :
«من ترك التزويج مخافة العيلة فقد أساء ظنُّه بالله - عزَّ وجلَّ».^۳

۱. نهج البلاغة، ج ۴، ص ۷۷؛ بحار الأنوار، ج ۷۳، ص ۳۶۴

۲. تخريج الأحاديث والآثار الواقعة في تفسیر الکشاف للزمخشری، ج ۱، ص ۴۵۹؛ بحار الأنوار، ج ۶۵، ص ۱۲۳؛ مولانادر دفتر اول [۲۹۱۵ و ۲۹۱۶] با اشاره به روایت مذکور، چنین می سراید:

إِحْتِمَاها بر دواها سرور است زانکه خاریدن فزونئی گراست
إِحْتِمَا اصل دوا آمد یقین إِحْتِمَا کن قوت جانت بین

۳. الکافی، ج ۵، ص ۳۳۰-۳۳۱

خوشوقت کسی کہ کامرانی کرده با ماه رخی عیش نہانی کرده
 هر کس کہ کند ترک نکاح از غم فقر با واهب رزق بد گمانی کرده

۳۱

في الكتب الأربعة وغيرها عن سيد ولد آدم ﷺ :

«الولد للفراش وللعاهر الحجر»^۱.

اول قطعی بود پدر را ز ولد کاندر رحم حرام او را فکند
 زانرو کہ ولد به شرع باشد ز فراش از بهر زناکار بود سنگ رمد

۳۲

في كتاب الدرر والغرر عن أمير المؤمنين عليه السلام :

«صلة الرحم توسع الآجال وتُثَمِّي الأموال»^۲

باید کہ همیشه رحم بر خویش کنی احسان به رحم، رحم به درویش کنی
 عمر و مالت فزون کند وصل رحم با خویش کنی هر آنچه با خویش کنی

۳۳

في كتاب من لا يحضره الفقيه عن فاتح الخير نبينا ﷺ :

«جُعِلَتِ الذنوب كلها في بيتٍ وجُعِلَ مفتاحُها شُرْبُ الخمر»^۳.

بر دین و خرد بود زیان خوردن می زاید همه آشوب جهان خوردن می

۱. من لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص ۳۸۰؛ بحار الأنوار، ج ۳۳، ص ۲۱۱

۲. غرر الحکم و درر الکلم، ج ۴، ص ۲۱۵

۳. من لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص ۳۵۴

گردانده شده ذنوب در یک خانه گردانده شده کلید آن خوردن می

۳۴

فِي ثَمَارِ الْقُلُوبِ عَنِ النَّبِيِّ ﷺ :

«مَنْ هَدَمَ بَنِيَانَ اللَّهِ فَهُوَ مَلْعُونٌ».^۱ وفي الغريبين للهروي «بُنْيَان رَبِّهِ».

هرکس که به گردنش به ناحق خون است مستوجب لعن خالق بی چون است
بنیان خداست پیکر انسانی هرکس که خراب سازدش ملعون است

۳۵

فِي نَهْجِ الْبَلَاغَةِ :

«تَذَلُّ الْأُمُورَ لِلْمَقَادِيرِ حَتَّى يَكُونَ الْحَتَفُ فِي التَّدْبِيرِ»^۲

تقدیر بود شیر و دو عالم نخجیر تدبیر چه می کند به تقدیر قدیر
گردند امور، جمله رام تقدیر تا آن که بود هلاک، اندر تدبیر

۳۶

فِي نَهْجِ الْبَلَاغَةِ فِي وَصَايَا أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ لِابْنِهِ الْحَسَنِ - صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمَا - :

«إِيَّاكَ أَنْ تَذْكُرَ مِنَ الْكَلَامِ مَا يَكُونُ مُضْجِكاً وَإِنْ حَكِيَتْ ذَلِكَ عَنْ

غَيْرِكَ».^۳

۱. ثمار القلوب في المضاف والمنسوب، ج ۱، ص ۹۵

مولانا در دفتر اول [۳۹۸۵/۱ و ۳۹۸۶] با استفاده از روایت فوق چنین می سرايد:

تو نگاریده کف مولیستی آن حقی کرده من نیستی
نقش حق را هم به امر حق شکن بر زُجاجه دوست سنگ دوست زن

۲. نهج البلاغة، ج ۴، ص ۵

۳. نهج البلاغة، ج ۳، ص ۵۶

ای آن که ز قدر خویشتن با خبری از کم شدن وقار خود با حذری
زنهار! مگوی آن چه مضحک باشد هر چند حکایتش کنی از دگری

۳۷

في الكافي قال رسول الله ﷺ :

«من أعتق مسلماً أعتق الله بكلِّ عضوٍ منه عضواً من النَّار»^۱.

هر بنده که بهر حق چو آزاده دلاں آزاد کند ببندهٔ صاحب ایمان
آزاد کند خدا به هر عضوی از او عضوی ز آن شخص از عذاب نیران

۳۸

في الكافي عن أبي عبدالله عليه السلام :

«العقل ما عبد به الرحمان واكتسب به الجنان»^۲.

عقل آن نبود که آورد دنیوی زشت کان دور کند تو را ز نزدیک بهشت
آن است خرد کزان شود حق معبود مکسوب شود بهشت پاکیزه سرشت

۳۹

في نهج البلاغة :

«القلبُ مصحفُ البَصَر»^۳ وفيه أيضاً «الفكر مرآة صافية»^۴.

۱. الكافي، ج ۶، ص ۱۸۰

۲. الكافي، ج ۱، ص ۱۱

۳. نهج البلاغة، ج ۴، ص ۹۶

۴. نهج البلاغة، ج ۴، ص ۸۵

دل هست تو را رفیق دیرینه صاف آینه مطلب بود سینه صاف
بی فکر مباش گر دلت هست که هست دل مصحف دیده فکر آینه صاف

۴۰

فی عیون أخبار الرضا عن علی بن موسی الرضا عن أبیه موسی بن جعفر الکاظم
عن أبیه جعفر بن محمد الصادق عن أبیه محمد بن علی الباقر عن أبیه علی بن
الحسین زین العابدین عن أبیه الحسین بن علی سید الشهداء عن أبیه علی بن أبی
طالب أمير المؤمنين قال: قال رسول الله ﷺ:

«ما أخلص عبدُ الله - عزَّ وجلَّ - أربعين صباحاً إلاَّ جرت ينابيعُ الحكمة
من قلبه على لسانه».^۱

اخلاص بورز تا شوی پاک روان اخلاص بود صیقل آینه جان
هرکس که چهل صباح ورزد اخلاص از دل رودش عیون حکمت به زبان

خاتمة

این نظم نکو نمایندت راه هدا جان را بکند به سوی فردوس ندا
در ماه محرم هزار و صد و دو صد شکر تمام شد به توفیق خدا



پی نام و تاریخ این نظم عالی رقم کرد کلکم «نظم اللثالی»

سبحان ربِّكَ ربَّ العزَّة عمَّا یصفون وسلامٌ علی المرسلین والحمد لله ربَّ
العالمین:

۱. عیون أخبار الرضا، ج ۲، ص ۶۹؛ بحار الأنوار، ج ۷۰، ص ۲۴۲

منابع تحقيق

- احاديث و قصص مثنوى ، بديع الزمان فروزانفر ، مؤسسه انتشارات اميركبير تهران، ۱۳۷۶ هـ.ش.
- الأربعون حديثاً، الشيخ البهائي العاملي، دارالثقلين، بيروت - لبنان، چاپ اول: ۱۴۱۵ هـ.
- اعيان الشيعة ، سيدمحسن امين ، تحقيق حسن امين ، دار التعارف للمطبوعات ، بيروت: ۱۴۰۶ هـ.
- بحار الأنوار ، علامه محمد باقر بن محمدتقي مجلسي (م ۱۱۱۱هـ)، مؤسسه وفاء، بيروت، چاپ دوم: ۱۴۰۳ هـ.
- تخريج الأحاديث والآثار الواقعة في تفسير الكشاف للزمخشري ، حافظ جمال الدين أبو محمد عبدالله بن يوسف بن محمد زيلعي (م ۷۶۲هـ) دار ابن خزيمة، الرياض، چاپ اول: ۱۴۱۴ هـ.
- تذكرة المعاصرين ، حزين لاهيجي ، نشر ميراث مكتوب .
- ترجمه قطب شاهي ، نرم افزار معجم مداخل شيعه ، مؤسسه نشر حديث اهل البيت (ع)، تهران : ۱۳۷۵ ش .
- تلامذه علامه مجلسي ، سيداحمد حسيني ، مطبعة الخيام ، قم: ۱۴۱۰ هـ.

- تهذيب الأحكام، أبو جعفر محمد بن حسن معروف به شيخ طوسی (م ۴۶۰هـ)، تحقيق وتعليق سيد حسن موسوی، دارالكتب الاسلامية.
- ثمار القلوب فی المضاف والمنسوب، عبد الملك بن محمد بن اسماعيل ثعالبي نيشابوري، تحقيق و شرح ابراهيم صالح، دارالبشائر، چاپ اول: ۱۴۱۴هـ، دمشق.
- الذريعة إلى تصانيف الشيعة، شيخ آقابزرگ تهرانی، مؤسسه مطبوعاتی اسماعيليان، قم.
- سنن ابن ماجه، محمد بن يزيد قزوینی (م ۲۷۵هـ)، دارالفکر، بيروت.
- شرح شهاب الاخبار، قاضي قضاعی، مقدمه و تصحيح و تعليق از سيد جلال الدين حسنی ارموی، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی.
- صحيح مسلم، مسلم بن حجاج نيشابوري (م ۲۶۱هـ)، دارالفکر، بيروت.
- طبقات اعلام الشيعة، شيخ آقابزرگ تهرانی، تحقيق علی نقی منزوی، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- عدة الداعي، احمد بن فهد حلی، تحقيق احمد موحدي قمی، مكتبة الوجداني.
- عوالي اللثالي، ابن أبي الجمهور، تحقيق آقا مجتبی عراقی، مطبعة سيد الشهداء.
- عيون أخبار الرضا، شيخ صدوق (م ۳۸۱هـ)، نرم افزاز معجم داخل شيعة، مؤسسه نشر حديث اهل البيت عليه السلام، تهران: ۱۳۷۵هـ.
- غرر الحكم و درر الكلم، عبدالواحد آمدی، تحقيق محدث ارموی، نشر دانشگاه تهران.
- الفردوس بمأثور الخطاب، أبي شجاع شيرويه بن شهردار بن شيرويه الديلمي

- الهمدانی، دارالکتب العلمیة، بیروت - لبنان، چاپ اول: ۱۴۰۶هـ.
- الکافی، ابوجعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق کلینی، مطبعة حیدری، تحقیق علی اکبر غفاری، دارالکتب الاسلامیة.
- کمال الدین و تمام النعمة، شیخ صدوق (م ۳۸۱هـ)، تصحیح و تعلیق علی اکبر غفاری، مؤسسه نشر اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه عملیة قم، ۱۴۰۵هـ.
- لغت نامه دهخدا، علی اکبر دهخدا، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ اول از دوره جدید، ۱۳۷۲ش.
- مسند احمد، امام احمد بن حنبل (م ۲۴۱هـ)، دار صادر، بیروت.
- مفتاح الفلاح، شیخ بهایی، نرم افزار معجم مداخل شیعه، مؤسسه نشر حدیث اهل البيت (ع)، تهران: ۱۳۷۵ ش
- من لا یحضره الفقیه، شیخ صدوق (م ۳۸۱هـ)، تحقیق علی اکبر غفاری، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۴هـ.
- نهج البلاغة، شرح شیخ محمد عبده، دارالمعرفة، بیروت.
- وسائل الشیعة، شیخ حرّ عاملی (م ۱۱۰۴هـ)، تحقیق شیخ عبدالرحیم ربانی شیرازی، دارالاحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳هـ، بیروت.